

حرمت آویشن

زندگی و سبک شناسی آثار

(زنده باد حسین پناهی)

آرش حاذق نژاد

نشر کردگار



سرشناسه :	حاذق‌نژاد، آریش، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور :	حرمت آویشن: زندگی و سبک‌شناسی آثار زنده یاد حسین پناهی/ آریش حاذق‌نژاد.
مشخصات نشر :	اهواز: کردگار، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری :	۱۴۴ ص.
شابک :	۲-۸۸-۵۳۷۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی :	فیبا
موضوع :	پناهی، حسنی، ۱۳۳۵ - ۱۳۸۳ - نقد و تفسیر
رده بندی کنگره :	۱۳۹۰ ۸۲ ی ۷۵ ن / PIR ۱۳۹۷۹۹۲
رده بندی دیویی :	۱/۶۳۴۸
شماره کتابشناسی ملی :	۲۵۱۴۸۲۴



حرمت آویشن

آرش حاذق نواد

ناشر : انتشارات کردگار

تایپ و صفحه آرایی : نشر کردگار

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۱

لیتوگرافی و امور فنی : پردیس ۰۹۱۲۳۵۳۰۱۲۷

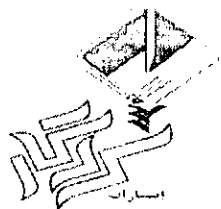
چاپخانه : مینیاتور

شمارگان : ۱۰۰۰

شابک : ۹۱-۲-۵۳۷۳-۶۰۰-۹۷۸

قیمت : ۵۶۰۰ تومان

تمامی حقوق چاپ برای مولف محفوظ است.



اهواز - اهانه - تبش سقراط غربی
مجمع اقبال - واهر ۱۰

۳۳۳۹۱۹۸ و ۳۳۶۵۱۸۵ (۰۶۱۱)

تقدیم به همه فرزانتان

به خصوص روح ادیب هنرمند زنده یاد حسین پناهر

... زیر آسمان وطن که در آغوش فقط

مرگ را به مساوات تقسیم می کردند

سند زده نام یک جا

همه را به حرمت چشمان تو

مهر و موم شده با آتش متبرک ملعون

که می ترکاند یگر یگر عفره ها سر به هایم را

تا شمار شمعکوسر آغاز شده باشد

در لایح مقصود بر مقصد

کفایت می کرد مرا حرمت آویشخ

مرا مهتاب

مرا بقیعنه

و آویشخ حرمت چشمان تو بود، نبود؟

بسر دل گره زده به ضریح هر اندیشه ابر

که آویشخ می سرود.

در تالیف اثر پیش رو مدیون علم بی بدیل اساتید فرزانه‌ام
آقایان دکتر نصرالله امامی، دکتر محمدرضا سنگری و دکتر
هاشم محمدی هستم. همچنین زحمات بی دریغ دوستانم
جناب آقای اقبال بولیان را از ویر نخواهم برد.

www.ketaboo.ir

فهرست مطالب

بخش نخست

نگاهی به زندگی، اخلاق، هنر و آثار پناهی ۷

بخش دوم

کلیاتی درباره‌ی سبک و سبک شناسی ۲۱

بخش سوم

تحلیل سبک شناختی آثار داستانی پناهی ۲۷

بخش چهارم

تحلیل سبک شناختی شعر پناهی ۴۱

بخش پنجم

ویژگی و مختصات سطح فکری ۱۰۹

بخش ششم

تحلیل دو شعر از پناهی ۱۲۷

فهرست منابع و مآخذ ۱۴۲

بخش نخست

نگاهی به زندگی، اخلاق، هنر و آثار پناهی

نگاهی به زندگی، اخلاق، هنر و آثار حسین پناهی

سال شمار

حسین پناهی در روز ۶ شهریور سال ۱۳۳۵ (۲۸ آگوست ۱۹۵۶) در استان گهگیلویه و بویراحمد، روستای دژکوه از توابع شهرستان گهگیلویه و در نزدیکی شهر کوچک سوق به دنیا آمد. پدرش علی پناه و مادرش ماه کیبز نام داشت. هنوز دو سال بیشتر نداشت که مرگ پدر، بی وفایی دنیا را برایش به تصویر کشید. در سن شش سالگی دنیای «نی سواری» و «کل کله برد»^۱ و «تپ تپو»^۲ را با هزار حسرت و دریغ به سوی تنها مکتبخانه‌ی دژکوه - همان روستای بلندی که با خدا دو قدم بیشتر فاصله نداشت - گریه کرد؛ تا پنج شش سال بعدی را با مرغ و تخم مرغ محلی و کشک و کرا به باز کردن اخم ملای ده بدود. پنج شش سالی که سرما و گرماهایش، ترکه و توپ و تشرهایش و حتی بداری‌هایش، تکلیف هزار برگی شد تا در آینده‌ی آدم بزرگ‌ها و شهرها و بوق‌ها و ماشین‌ها... هزار بار خودخواسته از روی آن‌ها بنویسد و بنویسد و بنویسد... تا قلم دلش... نه! تمام نشد قلم دلش، بلکه تا دیگر دفتر سپید زندگانش برگ سپید نداشت!

ترکه دژکوه و رفتن به سوق برای گرفتن کلاس ششم، بلای عظیم نوجوانی بود که، در سال ۴۶ گریبانگیر حسین کوچک شد تا بعداً در ابتدای کتاب‌هایش بگوید: «...مشکلات راه مدرسه، در روزهای باران مجبورم کرد به خاطر پاها و کفش‌هایم به باران با همه‌ی عظمتش بدبین شوم...»^۳